

# همسایه

**سلام جناب کرزای، در کتابخانه شما یک مجموعه «گل آقا» به چشم می خورد و دیوان پروین اعتصامی، مثنوی، کتاب استاد فرشچیان و فردوسی را دیدم.**

مهربان هستید، مهربان هستید.

**حافظ می خوانید؟**

دیوان حافظ بسیار دارم، شاهنامه از فردوسی، سعدی، رهی معیری را می خوانم، درچه ها، افسانه شیرین، نظام وفا، بیشکنی ای قلم، شمع و پروانه، آرزوها، امروز و فردا هم هست. فروغ فرخزاد را هم می خوانم. خیلی قشنگ است. گل آقا را هم که گفتید، رئیس جمهور خاتمی در سفرهایم به ایران به من تحفه دادند.

**برویم سراغ روز سقوط دولت موسوم به جمهوریت، شاید اگر تدبیر شما نبود طالب ها وارد کابل نمی شدند و خلأ قدرت رخ می داد. در دوحه هم آن اتفاق برای مردم افغانستان افتاد. این روایتی است که ما دیدیم، ولی می خواهیم از زبان شما هم بشنویم.**

روز پانزدهم آگوست بود. ساعت ۱۰ صبح قرار بود ما و عبدالله عبداله رئیس شورای صلح با هم بنشینیم و بعد از توافقی که روز قبل با دکتر اشرف غنی کرده بودیم، لیستی فوری تنظیم شود و به صورت فوری مذاکره با تحریک طالبان در قطر آغاز شود و از طریق یک تفاهم ملی، صلح افغانستان تثبیت و مشکلات حل بشود. دکتر عبدالله همیشه بر وقت می آمدند اما آن روز معطل تر شدیم، تأخیر شد در آمدن شان. گفتیم چرا دیر آمدی، گفت که راه بند بود، مردم بسیار هجوم داشتند، هر کس هر

طرفی می رفت، گفتیم چرا؟ گفت شاید داخل شدن طالبان به شهر است. خب ما لیست خود را ساختیم و تنظیم کردیم و دکتر عبدالله به عنوان رئیس صلح گرفتند تا با آقای اشرف غنی شریک بسازند و همان روز پرواز کنیم که دیدیم اوضاع وخیم تر و وخیم تر شد و به نان چاشت بودیم که کسی احوال داد طالبان وارد کابل شدند و در چهار طرف نزدیک شهر حتی در خود شهر دیده شدند.

**قرار بود به دوحه بروید؟**

ما قرار بود به دوحه برویم، همان شبش یا فردایش. از همان جانب طالبان اطمینان دادند که نخیر ما به کابل نیامدیم، حکومت وقت هم گفت چنین چیزی نیست، ما صاحب شهر هستیم همه چیز تحت کنترل است، در حالی که باقی کشور فرو ریخته بود. خب نان چاشت را تمام کردیم و بیرون شدیم در باغ، من ساعت بیست کم سه (۱۴:۴۰) رقوم درون خانه که استراحت کنم و ترتیبات عصر را بگیریم که فوراً کسی آمد و گفت که محافظان ریاست جمهوری آمدند با شما کار دارند. من آمدم بیرون در صحن حیاط، آنها ایستاده بودند، گفتند که رئیس اشرف غنی رفت. گفتیم چه وقت رفت، گفت نیم ساعت، چهل و پنج دقیقه پیش. از آنجا این کوشش جدید آغاز شد. زمانی که شنیدیم که آنها رفتند، کسی گفت که برویم به ریاست جمهوری، گفتیم من به ریاست جمهوری کاری ندارم. یک فرد عادی کشور هستم. آنجا یک مکان رسمی کشور است. تماس هایی گرفتیم؛ از بزرگان دولت افغانستان کسی نبود، هیچ کسی، صرفاً بسم الله خان وزیر دفاع را پیدا

کردم که دوست قدیمی و شخص مجاهد این خاک است، او گفت که ما در قرارگاه نظامی هستیم و اوضاع درست پیش نمی رود و گفتمش که رئیس جمهور اشرف غنی رفته خبر داری؟ حالا یادم نیست آنها گفتند خبر دارند یا خبر ندارند. با او مشورت کردیم به این فیصله رسیدیم که در این نبود کامل نظام حکومتی یا نیروی امنیتی و در نابسامانی عظیمی که در ذهن های ما از نبود دولت ایجاد شده، بهتر است چیزی به مردم کابل بگوئیم. همان بود که همراه دخترهایم یک جایی ایستادم و به مردم گفتم هر جایی هستید در خانه هایتان باشید، دارید. و به طالبان صلاح کردم که اگر به کابل آمدید، به هر جایی که هستید زندگی مردم را نگه داری کنید تا اوضاع روشن تر بشود.

**چرا از کشور خارج نشدید؟**

یعنی نگرانی برای تمام اطفال کشور اعم از دخترک ها و پسرهای کابل بود. این کشور ما است. خانه ما است. چطور می توانیم که در روزهای خوشی باشیم، ولی در روزهای مشکل ترکش کنیم!

**ممنوعیتی بود یا برنامه ای داشتید که ماندید؟**

نخیر، نه برنامه ای داشتیم نه ممنوعیتی بود، البته رفتن بسیار آسان بود، بسیار کشورهایی بودند که هوایمایشان اینجا بود و بزرگان کشور افغانستان را انتقال می دادند ولی من فیصله کردم که در خاک خودم باشم و نروم.

**اشرف غنی درباره آینده یا حتی برنامه خروج با شما مشورتی نکرده بود؟**

ابداً، ابدأ، یک روز قبل دیدیمش و از اوضاع کشور برایش گفتیم که تمام چیز از بین رفته، دولت فروریخته و نباید درد مردم افغانستان زیادتز شود. موافقت کرد، براساس همان موافقت قرار بود که ما و دکتر عبدالله لیستی بسازیم و لیست هم فرمایش ساختیم، ولی پیش از اینکه ما ترتیبات سفر به دوحه را بگیریم، اوضاع به هم ریخت و فرو ریخت و اتفاقاتی افتاد که شما می دانید.

**شما ۲۰۰۱ در کنفرانس بن حاضر شدید، شش ماه دولت موقت و دو سال تمدید آن را به عهده گرفتید، در دو دوره انتخابات منتخب مردم تان بودید و بعد میراث شما به دکتر اشرف غنی رسید. چه شد که این میراث، این تلاش و امید با فرار فردی که جانشین شما بود به پایان رسید؟**

کارهای درستی نشد، اگر می شد کشور ما به این جایی که حال است نمی افتاد، ولی من راضی نیستم بر کارکردهای جانشین خودم صحبت کنم. بگذاریم به تحلیل مردم افغانستان و جهان آزاد که تحلیل کنند؛ هر چیزی که شد اسفناک بود و باعث درد و رنج ملت افغانستان.

**اختلاف شما با دکتر اشرف غنی از کی شروع شد؟**

اختلاف شخصی به هیچ عنوان نداشتیم، رابطه نیک و حسنه داشتیم، طبعاً در مسائل ملی، طرز دید من کاملاً متفاوت بود، من طرفدار پروسه صلح سریع و مخالف جدی عملیات

نظامی امریکا در افغانستان و عملکرد دولت افغانستان در مقابل دهات کشور و افرادی از کشور به نام طالب بودم، طالبان را جزو خاک افغانستان می دانستم. جزئی از همین سرزمین می دانستم حتی اینها را برادر خطاب کردم.

**آقای دکتر شما جانشین دولت گذشته طالبان شدید، در زمان شما اشغال افغانستان توسط آمریکا و ناتو اتفاق افتاد و شاید آن روز دولت شما و شما بعد از اشغالگران بزرگترین دشمن برای طالبان بودید، اما در ۲۰۰۷ شما آنها را برادران ناراضی خطاب کردید و در فرایند صلح تلاش کردید با آنها گفت و گو کنید، چه اتفاقی افتاد این تعبیر رویکرد رقم خورد، چه اتفاقی افتاد که بازگشت طالبان جدی ترین گزینه جانشینی جمهوریت شد؟**

حادثه ۱۱ سپتامبر باعث این شد که امریکا و جهان با هم متحد شوند و از طریق تصویب ملل متحد، امریکا و متحدانش به افغانستان بیایند و همکاری تمام جهان را با خود داشته باشند، حتی کشورهایی که با امریکا سازگار نبودند، مثل روسیه، مثل چین و ایران با این حضور مخالفت نکردند و با دولت جدید جمهوریت افغانستان همکار شدند و بهترین همکاری را کردند. اینکه باز پسان تر امریکا نتوانست از این نیت نیک جهان در آوردن امنیت به افغانستان استفاده درست بکند، مسأله ای علی حده نبودیم، بلکه به آنها مشورت دادیم که با همه مردم یک جا زندگی کنیم. آن زمان هم مخالفت اگر داشتیم

و کوشش هایی اگر کردیم برای استقلال افغانستان بود، برای این بود که مملکت ما اتحاد و اتفاق ملی داشته باشد و از مداخلات بیرونی بخصوص مداخلات پاکستان که در خاک ما بسیار شدید بود، محفوظ با شد.

**آیا این مداخله که از طرف خارجی ها می گویند، از طرف امریکا در زمان شما نبود؟**

دو مسأله است؛ یکی آمدن امریکا و دیگری عملکرد او بعد از آمدنش، این دو تا موضوع با هم فرق دارد. آمدن امریکا بر اساس فیصله ملل متحد و توافق تمام کشورهای جهان بود، همگی کشورها، حتی ایران در کنفرانس بن حضور داشتند.

**ایران موافق اشغال نبوده.**

ولی با کنفرانس بن و کوشش ملل متحد همکار بود. چیزی که بعداً باعث مخالفت ما با امریکا شد، عملکرد امریکا در افغانستان بود؛ به نام مبارزه علیه تروریسم اینها مردم افغانستان را هدف قرار دادند. دهات مردم افغانستان را بمباران کردند، در خاک خود ما زندان ایجاد کردند و مردم ما را به زندان انداختند. اگر در ۲۰۰۵ شک کرده بودیم که شاید اینها درست عمل نمی کنند، در ۲۰۰۶ یقین حاصل کردیم کار اینها به نقص افغانستان تمام و امنیت افغانستان ن تخریب می شود. به

گفت و گو با دکتر حامد کرزای، رئیس جمهور اسبق افغانستان

## طالبان بخشی از جامعه افغانستان است

# ۲۰ سال قبل هم امریکا و پاکستان مانع صلح با آنها شدند

صحنه های فرودگاه کابل برای ما توهین آمیز بود

**گفت و گو**

متولد سوم دی ماه ۱۳۳۶ شمسی است و متولد قندهار. تحصیلات کارشناسی خود را در کابل و کارشناسی ارشد را در هند گذراند. پاییز ۱۳۸۰ و همزمان با حمله امریکا به افغانستان، او رهبری بخشی از قبیایل و طوایف اطراف قندهار را بر عهده داشت. اواخر پایان همان سال به عنوان رئیس دولت موقت افغانستان و در ادامه هم به مدت دو سال رئیس جمهور موقت این کشور انتخاب شد تا در نهایت در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۳ و ۱۳۸۸ به مدت دو دوره ریاست جمهوری این کشور را بر عهده داشته باشد. او بعد از این مدت مسئولیت ریاست جمهوری را به اشرف غنی سپرد. با سقوط دولت غرب گرای اشرف غنی سال ۱۴۰۰ کرزای به همراه عبدالله عبدالله و گلبدین حکمتیار در دوحه پایتخت قطر شورایی تشکیل دادند تا ضمن بر کردن خلأ قدرت در افغانستان، مقدمات واگذاری آن به طالبان را فراهم کنند. کرزای، حال در افغانستان زندگی می کند، هرچند از سوی دولت طالبان ممنوع الخروج است.



اساساً اشتباه بزرگ در سال ۲۰۰۱ در کنفرانس بن شد. آنجا باید طالبان هم حضور می داشت. امریکا و پاکستان، نیت خوب نداشتند، مانع کوشش های به طرف صلح و مذاکره با طالبان می شدند و گرنه افغانستان آنقدر رنج نمی دید. طالبان هم حاضر به مذاکره بودند

**مخالف طالبان نبودیم**

حادثه یازده سپتامبر باعث این شد که امریکا و جهان با هم متحد شوند و از طریق تصویب ملل متحد، امریکا و متحدانش به افغانستان بیایند و همکاری تمام جهان را با خود داشته باشند حتی کشورهایی که با امریکا سازگار نبودند. مثل روسیه، مثل چین و ایران با این حضور مخالفت نکردند و با دولت جدید جمهوریت افغانستان همکار شدند و بهترین همکاری را کردند. اینکه باز پسان تر امریکا نتوانست از این نیت نیک جهان در آوردن امنیت به افغانستان استفاده درست بکند، مسأله علی حده ای است ولی هیچ زمانی مخالف طالبان نبودیم، بلکه به آنها مشورت دادیم که با همه مردم یک جا زندگی کنیم. آن زمان هم مخالفت اگر داشتیم و کوشش هایی اگر کردیم برای استقلال افغانستان بود، برای این بود که مملکت ما اتحاد و اتفاق ملی داشته باشد و از مداخلات بیرونی بخصوص مداخلات پاکستان که در خاک ما بسیار شدید بود، محفوظ باشد.

**مخالفت من با القاعده بود**

هیچ زمانی من مخالف حضور طالبان در افغانستان از حیث مردم افغانستان نبودم. زمانی که طالبان حکومت اول شان در افغانستان بود هم ما با آنها مشورت داشتیم و باعث اتحاد و اتفاق ملی کشور بودند. نامه هایی برایشان نوشتیم و گفتیم جنگ با مجاهدین را اول کنند. برایشان نوشتیم احمدشاه مسعود. قهرمان این خاک است، از مردم افغانستان است چرا با آنها و دیگر مجاهدان افغانستان جنگ دارید. مخالفت من در آن زمان مخالفت با طالب نبود، مخالفت با حضور پاکستان و مداخلات پاکستان در امور افغانستان، حضور القاعده و آمدن اسامه بن لادن و دیگر اجنبی ها در خاک ما بود که داشتند روی مردم تربیت نظامی می دیدند در قتل مردم ما و آزار و اذیت آنها، اهداف خود را پیش می بردند.

**ایران یک کشور عظیم است**

چگونگی پیشبرد پروسه صلح توسط امریکا و به انجام نرساندنش، بلکه به ناکامی کشاندنش و نحوی که امریکا از افغانستان بیرون شد، به نهایت دردانگیز بود، صحنه های میدان هوایی کابل به مردم افغانستان توهین آمیز بود، در تاریخ، در ذهن های مردم می ماند، در خاطرات مردم می ماند و ما از آن نارضایتی شدید داریم، عصبانیت شدید داریم، ولی من حیث ملت و مردم افغانستان، کشور افغانستان خواهان دوستی با کشورها است، خواهان اختلاف با کشورها نیست. تاریخ خود را دیده، درد خود را شناخته، منفعت ملت افغانستان را جست و جو داریم و منفعت مردم افغانستان در رابطه حسنه با همه کشورهای جهان است، اگر امریکا با افغانستان رابطه حسنه می خواهد ما هم آرزویش را داریم. من در زمانی که با امریکایی ها در تماس بودیم، بسیار و متواتر مشغله شدید من با امریکایی ها تا روز آخر حکومتم این بود که ایران یک کشور عظیم این منطقه است